



عقد استصناع در بانکداری اسلامی افغانستان: ابزاری نوین برای تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی و توسعه پایدار

پوهنمل دکور فرید احمد هروی^۱، پوهندوی نصیر احمد ایوبی^۲

^۱دپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲دپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون هرات، هرات، افغانستان

ایمیل: faridahw1986@gmail.com

چکیده

هدف این تحقیق بررسی عقد استصناع به عنوان ابزار مالی اسلامی در بانک های اسلامی افغانستان جهت تأمین مالی پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار می باشد. عقد استصناع با تمام انواع آن، نقش اساسی در رشد اقتصاد و شکوفایی مالی برای صانع، مستصنع، جامعه و بانک های اسلامی دارد. این عقد به عنوان ابزار جدید تمویل اسلامی در بانکداری اسلامی با رویکردهای متنوع و میکانیزم های مدرن مورد استفاده قرار گرفته، و نتایج مثبت و چشمگیری را در کشورهای مختلف در پی داشته است. افغانستان به عنوان یک کشور اسلامی، نیازمند شدید استفاده از این ابزار در بانکداری اسلامی جهت تمویل پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار می باشد. محقق درین تحقیق از متود نوعی-تحلیلی استفاده نموده چنانچه معلومات را از کتب معتبر، ژورنال ها، مقالات، گزارش های تحقیقی جمع آوری نموده و سپس تحلیل کرده است. محقق به این نتیجه رسیده که استصناع به عنوان یکی از خدمات و منتجات بانک های اسلامی، نقش کلیدی در تأمین پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار به ویژه در افغانستان دارد.

واژه های کلیدی استصناع؛ افغانستان؛ بانکداری اسلامی؛ توسعه؛ زیربنا

Istisna Contract in Islamic Banking in Afghanistan: A New Instrument for Financing Infrastructure Projects and Sustainable

Farid Ahmad Heravi¹, Naseer Ahmad Ayuobi²

¹Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Kabul University, Kabul, Afghanistan

²Department of Islamic Studies, Faculty of Sharia, Herat University, Herat, Afghanistan

Email: faridahw1986@gmail.com

Abstract

The research aims to examine the Istisna contract as an Islamic financial tool in Afghanistan's Islamic banks for financing infrastructure projects and sustainable development. The Istisna contract, in all its forms, plays a fundamental role in the growth of the economy and in financial prosperity for the manufacturer, the client, the community, and Islamic banks. This contract has been used as a new tool for Islamic financing in Islamic banking, with diverse approaches and modern mechanisms, yielding positive, significant results across various countries. Afghanistan, as an Islamic country, has a strong need to use this tool in Islamic banking to finance infrastructure projects and support sustainable development. The researcher has used a descriptive-analytical method, gathering information from reputable books, journals, articles, and research reports, and analyzing it. The researcher concluded that Istisna, as one of the services and products of Islamic banks, plays a key role in financing infrastructure projects and sustainable development, especially in Afghanistan.

Keywords Afghanistan; Development; Infrastructure; Istisna; Islamic Banking

ارجاع: هروی، ف. ا. و ایوبی، ن. ا. (۱۴۰۵). عقد استصناع در بانکداری اسلامی افغانستان: ابزاری نوین برای تأمین مالی پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار. ژورنال علمی - تحقیقی علوم اجتماعی - پوهنتون کابل (۱۹)، ۱-۲۹.

<https://doi.org/10.62810/jss.v9i1.285>

مقدمه

سکتور زیربنایی، عقارات و مسکن، و توسعه پایدار از جمله مهمترین سکتورهای است که توسط بحران های مالی ملی و جهانی، جنگ های متوالی و تجاوزهای کشورهای بیگانه، فقر و بیکاری و غیره متاثر می گردند؛ ازین رو همه کشورها به نحوی سعی می کنند تا سکتور زیربنایی پیشرفته ی را ایجاد نموده و از آن محافظت نمایند. عدم توجه به سکتور زیربنایی، منجر به بحران مسکن، ویرانی ها، تخریب زیربناها، از بین رفتن جاده ها و غیره می گردد که اکثر کشورها به ویژه کشورهای عقب مانده و در حالت رشد شاهد آن می باشند (عبد السلام، ۲۰۰۹).

بیشتر کشورها از طریق دستگاه ها و مؤسسات خود سعی نمودند تا اجراءات قانونی، اداری و تخریکی را جهت رشد و توسعه پایدار سکتور زیربنای انجام دهند، و از آن جمله، دستگاه بانکی و مالی است که مهمترین اهداف اقتصادی و مالی آن ها تمویل سکتور پروژه های زیر بنایی از طریق مجموعه ی از ابزارهای تمویل مختلف می باشد. این ابزارها در بانک های تقلیدی و اسلامی متفاوت اند؛ زیرا مبنای تمویل زیربناها در بانک های تقلیدی ابزار تمویل با قرض های زیربنایی ربوی بوده، اما بانک های اسلامی ابزارهای متعددی را به میان آوردند که با قواعد و احکام شریعت اسلامی مماشات دارند، و مهمترین آن ها ابزار تمویل با عقد استصناع است. و این ابزار تمویل اسلامی در عرصه تأمین مالی زیربنایی از بهترین بدیل های مبتنی بر اصل ابتکار است که ضوابط معاملات مالی در اقتصاد اسلامی آن را رهنمایی می کند (خروبی، خراجی، ۲۰۲۲). پر و ا ضح است که ساخت پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار در افغانستان نظر به عوامل مختلف تخریب گردیده و درین زمینه عقب مانده گی چشمگیری ملموس است، و از جانب دیگر، از جهت اینکه ۹۹.۹۹ فیصد مردم افغانستان مسلمان اند، نیازمند تأمین مالی با ابزار مالی اسلامی می باشد که در شرایط کنونی از طریق مؤسسات مالی اسلامی مخصوصا بانک های اسلامی صورت می گیرد. توضیح و تشخیص اندازه ی فعالیت و موفقیت عقد استصناع به عنوان ابزار مالی اسلامی در زمینه ی ساخت پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار در بانک های اسلامی، اجتناب از قرض های سودی بانک های متعارف و جلوگیری از بحران ها و اختلالات مالی اساس مشکل تحقیق را تشکیل می دهند. اهمیت تحقیق در بررسی عقد استصناع و تاثیرگذاری آن در بانکداری اسلامی در زمینه تأمین مالی پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار در افغانستان، تبیین اشکال و صورت های مختلف نوین عقد استصناع و تعامل با آن ها در بانک های اسلامی، و نمایان ساختن نمونه های تطبیقی عقد استصناع در بانکداری اسلامی متبلور می گردد. تحقیق هذا مشتمل بر اهداف ذیل است:

۱. بیان ضرورت جامعه افغانی به ابزار مالی جدید بانکداری اسلامی ازجمله عقد استصناع.
۲. استکشاف میکانیزم عقد استصناع در بانکداری اسلامی در افغانستان.
۳. نیازمندی پروژه‌های زیربنایی و توسعه پایدار به ابزار نوین شرعی تامین مالی.

مبانی نظری تحقیق

تعاریف و مفاهیم

تعریف عقد استصناع: استصناع در لغت به معنای ساخت سفارشی (Commissioned Manufacture) چیزی می‌باشد، بنا برین استصناع عبارت است از درخواست کاری از صانع جهت ساختن چیزی برای درخواست کننده (ابن منظور، ۱۹۸۷). و در اصطلاح چنین تعریف شده است: «أنه عقد علی مبيع فی الذمة و شرط عمله علی الصانع» (الکاسانی، ۱۹۹۹)، عقدی است بر مبیعه در ذمه که انجام آن بر صانع شرط شده است. ازین تعریف دانسته می‌شود که استصناع یک قرار داد مالی است میان دو طرف که بر مبنای آن یکی از طرفین (صانع) تعهد و توافق می‌کند تا چیزی که جنس و صفات آن مشخص بوده چنانچه مانع هر نوع جهالتی باشد که منجر به منازعه گردیده وغالباً به شکل سفارشی تولید می‌شود، برای طرف دیگر (مستصنع) در زمان آینده - کوتاه مدت و یا بلند مدت مثلاً پنج سال و یا ده سال - تسلیم نماید، مشروط بر اینکه مواد لازمی خام ساخت و تولید از طرف صانع باشد، و این عمل در برابر قیمت مشخصی است که مستصنع آنرا برای صانع به شکل فوری، تقسیط و یا مؤجل می‌پردازد.

ویژه‌گی اساسی عقد استصناع آنست که صانع بر مبنای توافق طرفین، پروژه، اجناس و یا خدمات خاصی را تولید و در زمان مشخص آینده برای مستصنع تحویل می‌دهد، بناء عقد استصناع شامل کالاهای طبیعی مانند میوه‌ها، سبزیجات و حبوبات نمی‌شود، بلکه آن‌ها در قالب عقد سلم معامله می‌شوند (شوقی، ۲۰۱۳).

استصناع در تطبیقات بانکداری اسلامی مدرن عبارت است از توافق نامه‌ی که بر مبنای آن مشتری جهت مطالبه تأمین مالی یک چیز، دستگاه، ساختمان و یا پروژه‌ی را که نیاز به ساخت، تولید و یا مونتاژ آنرا دارد به بانک مراجعه می‌کند، سپس بانک بعد از مشوره همه جانبه، مطالعه دقیق موضوع و سنجش مورد استصناع، پیشنهاد را قبول کرده و پس از ساخت و تولیدگک، آنرا به مشتری تحویل می‌دهد و خریدار می‌تواند قیمت را بعداً به صورت مقطوع یا اقساطی پرداخت نماید (Hasan, 2011).

عقد استصناع به عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی اسلامی بر اساس اصول و ضوابط شرعی منعقد گردیده تا از ربا، جهالت، غرر و دیگر معاملات غیر اخلاقی جلوگیری نماید، و دارای ویژه گی های چون عدم ربا، تعیین قیمت کالا و یا خدمات در ابتدای عقد به صورت شفاف و مشخص، و توافق بر تولید یا ساخت کالا می باشد. همچنان، در صورتی که بانک اسلامی به نمایندگی از مشتری عقد را در زمان مشخص منعقد می کند، هزینه ها باید ثابت باشند و نوسانات قیمت در زمان تحویل پیش بینی شده و بر اساس توافق طرفین تعیین شود (الوادی، ۲۰۱۶).

موضوع عقد استصناع: موضوع این عقد به شکل عام شامل کالاها و اشیایی است که نیازمند صنعت و تولید توسط صانع می باشند مانند ساختمان ها، بلاک ها، جاده ها، بندهای برق، خطوط قطار، کشتی ها، هواپیماها و غیره مگر به شکل ویژه در صنایع و پروژه های بزرگ و زیربنایی که نیازمند به تولید و ساخت سفارشی دارند، استفاده می گردد (دقیش، ۲۰۲۲).

در عقد استصناع باید مواد از طرف سازنده (Manufacturer) باشد، و اگر از طرف مشتری (Customer) باشد و صانع فقط مهارت خود را بر آن استفاده نماید، عقد استصناع نبوده بلکه عقد اجاره می باشد. استصناع قبل از ابرام عقد، الزامی نبوده و تا زمان که کار آغاز نگردد هر یک از طرفین می تواند آنرا فسخ نماید (النفیعی، ۲۰۲۳).

مشروعیت و حکم عقد استصناع: قرار ذیل است.

الف: نظریات فقهی مذاهب پیرامون مشروعیت عقد استصناع: نزد جمهور فقها (مالکیه، شافعیه و حنابله) استصناع عقد مستقل نبوده بلکه آنرا ضمن عقد سلم ذکر می کنند یعنی بیع چیزی موصوف در ذمه که مورد تولید و صنعت قرار می گیرد و باید در آن شروط بیع سلم از قبیل معلوم بودن موضوع عقد از نگاه جنس، نوع، مشخصات، مقدار و کیفیت، معلوم بودن مدت تعویق و قیمت معلوم باشد، انتقال و تسلیم و محل انتقال مبیعه در صورت که نیازمند هزینه است مشخص گردد؛ زیرا در صورت عدم وجود شروط سلم درین عقد، از باب بیع دین به دین بوده و به اجماع امت اسلامی جایز نیست، پس استصناع به سلم قیاس گردیده و فرعی از آن می باشد؛ چنانچه در کشاف القناع ذکر شده است «لایصح استصناع سلعة بأن یبیعه سلعة یصنعها له؛ لأنه باع ما لیس عنده علی غیر وجه السلم» (البهوتی، ۱۰۵۱ هـ - ۱۶۵/۳)، استصناع کالایی درست نیست؛ طوری که مستصنع برای صانع کالایی را که برایش می سازد، به فروش می رساند؛ زیرا او چیزی معدوم را بدون عقد سلم فروخته است. نزد احناف استصناع عقدی است بر مبیعه در ذمه ی صانع، جایز، مستقل و متمایز از عقد سلم می باشد. و این دو عقد استثناءً از قواعد عمومی بیع، مشروع می باشند؛ «وَأما جوازُه فالتقیاسُ أن لا یجوز؛ لأنه بیع مالیس

عند الإنسان لا على وجه السلم، وخصص في السلم، ويجوز استحساناً لإجماع الناس على ذلك؛ لأنهم يعملون ذلك في سائر الأعصار من غير نكير» (الكاساني، ۱۹۹۹) قیاس آنرا اجازه نمی دهد؛ زیرا فروختن چیزی معدوم بدون عقد سلم است، و استحساناً به اجماع مردم جایز می باشد؛ زیرا مردم آنرا در همه زمان ها بدون انکار انجام میدهند. و مشروعیت آن به عموم آیاتی که دلالت بر عقود و وفا به آن دارند، ثابت شده، و از آن جمله این قول الله سبحانه و تعالی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (سورة المائدة، ۱). نزد فقهای احناف استصناع بر اساس سنت بر خلاف قیاس ثابت شده است؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم انگشتر و منبری را بر مبنای عقد استصناع ساخته است؛ نافع از عبد الله بن عمر رض روایت می کند: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اصْطَنَعَ خَاتَمًا مِنْ ذَهَبٍ وَجَعَلَ فَصَّهُ فِي بَطْنِ كَفِّهِ إِذَا لَبَسَهُ فَأَصْطَنَعَ النَّاسُ خَوَاتِيمَ مِنْ ذَهَبٍ فَرَقِيَ الْمُنْبَرُ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ فَقَالَ إِنِّي كُنْتُ اصْطَنَعْتُهُ وَإِنِّي لَا أَلْبَسُهُ فَنَبَذَهُ فَنَبَذَ النَّاسُ قَالَ جَوِيرِيَهُ وَلَا أَحْسِبُهُ إِلَّا قَالَ فِي يَدِهِ الْيُمْنَى» (البخاري، ۱۴۲۲هـ، ۵۹۰/۱۴). رسول الله صلی الله علیه وسلم انگشتری را از طلا ساخت و در هنگام پوشیدن نگین آنرا در داخل کف دستش قرار میداد، و مردم نیز انگشترها را از طلا ساختند، سپس بالای منبر رفت، حمد و ثنای الله متعال را گفت و فرمود: من آنرا ساختم مگر آنرا نمیپوشم، انگشتر را انداخت و مردم نیز انداختند، جویریه می گوید: آنرا در دست راستش استفاده می کرد. همچنان سهل بن سعد روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای یک خانم گفت: «مُرِي غُلَامَكَ التَّجَارَ أَنْ يَعْمَلَ لِي أَعْوَادًا أَجْلِسُ عَلَيْهِنَّ إِذَا كَلَّمْتُ النَّاسَ» (البخاري، ۱۴۲۲هـ، ۵۹۰/۱۴) برده‌ی تجارت را امر کن برابم منبری بسازد تا در هنگام سخنرانی کردن به مردم بر آن بنشینم. همچنان علما از زمان نبوت تا امروز بر مشروعیت آن اجماع نمودند. علاوه بر آن، نیازمندی های مبرم انسان ها به این عقد دلیلی بر مشروعیت آن است؛ زیرا انسان نیازمند ساخت منزل، لباس و دیگر وسایل زنده گی با جنس، نوع، صفت و مقدار ویژه بوده که غالباً ساخته شده‌ی آن کمتر موجود بوده بلکه نیازمند صنعت آن است و الا در حرج واقع می شوند. و از جانب دیگر، حکومت ها نیازمند ساخت پروژه های بزرگ زیربنایی هستند که بدون عقد استصناع ایجاد آن ها ممکن نخواهد بود. همچنان عرف و عادات جامعه نیز منبعی برای مشروعیت عقد استصناع شده می تواند (Abu Eid, 2022).

ب: فیصله ها و معیارهای مجامع فقهی و مؤسسات مالی اسلامی بین المللی پیرامون مشروعیت عقد استصناع:

در مورد مشروعیت عقد استصناع قراردادهای مجامع فقهی اسلامی مانند مجمع فقه اسلامی جهانی تابع سازمان همکاری های اسلامی (IIFA) در سعودی، و معیار شرعی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی آیوفی (AAOIFI) در بحرین و غیره صادر گردیده است.

مجمع فقه اسلامی جهانی در کانفرانس هشتم آن در شهر جدّه عربستان سعودی سال ۱۹۹۲م قرار شماره (۷/۳/۶۷) را در مورد عقد استصناع و شروط استفاده از آن در بانک های اسلامی صادر نمود. آیوفی در معاییر شرعی، معیار شرعی شماره (۱۱) را پیرامون استصناع و استصناع موازی در نشست ششم سال ۲۰۰۱م اختصاص داده است.

عقد استصناع در صورت تکمیل کار و تسلیم آن به مشتری، و در صورت فوت صانع در حالت که عقد انجام فعالیت ویژه ی را به طلبد که ورثه ی صانع توانایی انجام آنرا نداشته باشند، منتهی می شود (Hasan, 2011, 187).

اشتراکات و افتراقات میان عقد استصناع و سلم

عقد سلم را می توان به طور کلی به عنوان مبادله قیمت فوری در مقابل فروش کالا و یا چیزی مؤجل با اوصاف خاص به عنوان یک تعهد بر فروشنده دانست، اما عقد استصناع قراردادی است بین خریدار و کارگر که در آن کارگر ماده اولیه را تهیه و کالا را ساخته و تولید می کند. سلم و استصناع به نحوی مشخصات مشترکی را دارند چنانچه در هر دو عقد احتمال وقوع ربای فضل و نسیه وجود داشته، و شامل فروش کالاها و اجناس غیر موجود و مجاز جهت رفع نیازهای اقتصادی جامعه و بر اساس رویه و عرف رایج می گردند، و در استصناع ضرور نیست که تمام پرداخت ها پیش از انتقال اجناس برای فروشنده انجام شود بلکه قیمت استصناع و چگونگی پرداخت آن با توافق طرفین صورت می گیرد اما در سلم پرداخت قیمت پیش از انتقال جنس ضروری است (الوادئ، ۲۰۱۶).

جدول ۱: تفاوت های عقد سلم و استصناع

شماره	استصناع	سلم
۱	موضوع آن همیشه چیزی است که ضرورت به تولید و ساخت دارد	موضوع آن همیشه چیزی است که قابل تعویض بوده و یا مال مثلی باشد
۲	ضرور نیست که قیمت آن به طور کلی پرداخت گردد.	قیمت آن باید به طور کلی پرداخت گردد.
۳	عقد می تواند پیش ازینکه صانع آنرا آغاز نماید مطابق به رای بعضی از فقها فسخ گردد.	زمانیکه عقد واقع گردید به هیچ عنوانی یک طرفه فسخ نمی گردد.
۴	مطابق رای بعضی از فقها تعیین زمان انتقال موضوع عقد ضرور نیست.	زمان انتقال موضوع عقد یک جزء ضروری بوده و باید مشخص گردد.

- ۵ کالا و جنس چیزی معین (عین) مانند ساختمان، پروژ، مبلمان، لباس، کفش یا پارچه‌های خیاطی می‌باشد. کالا غالباً چیز قابل سنجش، اندازه‌گیری و یا قابل شمارش برعهده (ذمه) به عنوان دین محسوب می‌شود.
- ۶ این عقد محدود به سکتور صنعتی به ویژه کالاهایی است که با سفارش قبلی تولید و ساخته می‌شوند. این عقد غالباً برای تولیدات زراعتی منعقد می‌گردد.
- ۷ از نگاه ضمانت‌های قراردادی، استصناع مشتمل بر ریسک کمتری است؛ زیرا یک عقد مستقل بوده و قیمت آن می‌تواند تاخیر گردد. از نگاه ضمانت‌های قرار دادی، این عقد شامل ریسک بالای برای تمویل‌کننده است؛ ازین رو برخی از اجزای خارجی مانند وضع کردن رهن و وثیقه برای عقد به منظور به حداقل رساندن عنصر-ریسک در آن مطرح شده است (Hasan, 2011).

شروط اساسی عقد استصناع: برای اعتبار عقد استصناع شروط و لوازم اساسی مختلف وفق نظر هر مذهب فقهی مطرح شده است که در ذیل شروط کلی آنرا می‌نگاریم:

۱. واضح ساختن جنس، نوع، صفت و مقدار موضوع عقد استصناع به گونه‌ی که ابهام و جهالت را از بین برده و هیچ مجالی برای اختلاف و منازعه در آن باقی نماند؛ ازین جهت اشتراط صانع برائت از عیوب موضوع استصناع را جایز نیست. و باید مورد عقد استصناع چیزی مشروع باشد، پس استصناع شراب، مواد مخدر، ابزار موسیقی، لهو و لعب و غیره جایز نیست (بلخیر، ۲۰۰۸).
۲. مطابق نظرامام ابوحنیفه رحمه الله باید زمان تکمیل کار و انتقال آن مشخص نباشد اما مطابق به نظر صاحبان تعیین زمان تکمیل کار ضروری است (الکاسانی، ۱۹۹۹).
۳. معلوم بودن قیمت استصناع در هنگام ابرام عقد، برابر است که پول نقد باشد، یا جنس و یا منفعتی برای مدت معین اعم از منفعت گرفتن از موضوع عقد استصناع و یا جنس دیگر. همچنان مؤجل بودن قیمت استصناع و تقسیط آن به اقساط معلوم، و یا پرداخت یک قسط به شکل فوری و ما بقیه مطابق به تسلیم اجزای مصنوع جایز می‌باشد. و باید در قیمت مصنوع در ازای تاخیر در پرداخت افزونی نشود؛ زیرا از جمله ربای جاهلیت است (النفیعی، ۲۰۲۳).
۴. مصنوع باید چیزی باشد که مورد تعامل مردم در عقد استصناع قرار گرفته و نیازمند ساختن و تولید باشد؛ ازین جهت استصناع در اشایی که قابلیت ساختن را ندارند مانند میوه‌ها، سبزیجات، گوشت‌ها و کالاهای طبیعی دیگر که مورد عقد سلم قرار می‌گیرند نه استصناع، درست نیست (الوادی، ۲۰۱۶).

۵. معین بودن مکان تسلیم در عقد استصناع در صورت که مصنوع نیازمند مصارف انتقال باشد.
۶. باید کار و مواد خام لازم برای ساختن و تولید از طرف صانع باشد، در صورت که مواد خام را مستصنع آماده بسازد، عقد اجاره محسوب گردیده نه عقد استصناع؛ مثلاً اگر مواد ساخت یک دروازه را مستصنع برای صانع (نجار) آماده بسازد، این عقد اجاره اشخاص محسوب می شود نه استصناع (الکاسانی، ۱۹۹۹).
۷. موضوع عقد استصناع باید در هنگام عقد موجود و معین نباشد مانند اینکه بگوید: من این موتر و یا فابریکه را به عقد استصناع به شما فروختم؛ زیرا استصناع محدود به اشیای موصوف در ذمه است نه معین، ازین رو اگر صانع پیش تر موضوع عقد استصناع را ساخته و آماده کرده باشد، معامله مذکور عقد استصناع نخواهد بود (Abu Alhoul, 2023).
۸. جایز نیست که عقد استصناع منجر به حیلۀ تمویل ربوی گردد مانند اینکه توافق صورت بگیرد که بانک اسلامی از صانع مصنوعات و ابزاری را به قیمت فوری خریداری نموده و دوباره آنرا به قیمت بیشتری به شکل مؤجل بفروشد، و یا اینکه در خواست کننده استصناع خود صانع باشد، یا صانع مالک ثلث مصنوع و یا بیشتر از آن باشد؛ زیرا در همه این صورت بیع عینه به میان می آید که شرعاً جایز نیست. و یا اینکه دو نفر به بانک مراجعه نموده و بین خود توافق کردند که یکی سازنده و دیگری مستصنعی است که می خواهد تأمین مالی کند؛ تا مبلغی را به سازنده پیش پرداخت نماید، سپس بانک وارد این معامله گردیده تا به مستصنع قرض با ربا و سود دهد و آنرا عقد استصناع موازی تلقی می کند، در حالیکه اینجا بانک بین دو قرارداد ارتباط برقرار کرده و به قرض دهنده تبدیل شده است نه اینکه قرارداد استصناع موازی را منعقد کرده باشد (النفیعی، ۲۰۲۳).
۹. صانع می تواند چیزی را که قبل از ابرام عقد استصناع خودش و یا دیگری ساخته است مشروط بر اینکه شرط ساختن بر خودش نشده باشد، به مستصنع تحویل دهد (زوید، ۲۰۱۹).
۱۰. عقد استصناع در مورد ساختن ساختمان در زمین مشخص اعم از اینکه در ملکیت صانع باشد و یا مستصنع و یا مالک منفعت زمین باشند، جایز است؛ زیرا موضوع استصناع ساختمان موصوفه است نه مکان معین.

۱۱. در تطبیقات کنونی بانکداری اسلامی، بانک اسلامی (مشتري در عقد استصناع) می‌تواند که داخل استصناع موازی شود (Parallel Istisna) بدون اینکه ارتباطی با عقد استصناع نخست داشته و یا مشروط باشد. در عقد نخست بانک به عنوان مشتري و در عقد دوم به عنوان فروشنده و هر دو عقد مستقل بوده، حقوق و واجبات آن‌ها با یکدیگر وابسته نمی‌باشند (Hasan, 2011).

۱۲. در عقد استصناع مشتري (مستصنع) نمی‌تواند پیش از اینکه حقیقتاً و یا حکماً مالک اشیاء شود، آنرا به دیگری فروخته و یا ملکیت آنرا به دیگری انتقال دهد، اما می‌تواند عقد استصناع موازی را در جنس موصوف در ذمه با عین مواصفات عقد اول به شرط عدم ارتباط بین هر دو عقد منعقد نماید (زويد، ۲۰۱۹).

ایوپی در معیار شرعی شماره (۱۱) ملاحظات کلیدی استصناع را چنین بیان کرده است:

۱. مشتري عقد استصناع را با مؤسسه بانکداری اسلامی انجام داده و از آن می‌طلبد تا کالاهای مشخصی را ساخته و یا تولید نماید، و نوع اشیایی که توسط بانک ساخته و یا تولید می‌گردد مشخص می‌شود. قیمت (برابر است که همه مبلغ پیش از پیش پرداخت گردد، یا با تقسیط و یا پس از تکمیل شدن کار)، زمان و مکان و چگونگی انتقال اشیاء و پرداخت آن (نقد، اشیای محسوس، و منفعت یک چیز برای مدت معین) نیز مشخص می‌گردد.

۲. مشتري نهایی می‌تواند انتقال کالاها را در صورت که مطابق شروط و مواصفات عقد نبوده مسترد کند، و با تخفیف و یا بدون تخفیف قبول نماید. در صورت که اشیاء مطابق مواصفات و یا با کیفیت بالاتر باشد، مشتري مجبور گردانیده می‌شود تا آنرا قبول نماید مگر اینکه قیمت بالاتری از سوی فروشنده درخواست شود (در صورت تحویل با کیفیت بالاتر). و در صورت که اشیاء آماده باشد مگر مشتري در تسلیم‌گیری آن‌ها تاخیر نماید، اشیاء به شکل امانت نزد صانع قرار گرفته و او مسئول هیچ نوع ضرر و یا آسیب نبوده مگر در صورت غفلت و رفتار نادرستش. صانع می‌تواند اشیاء را به شخص سوم جهت پوشش دادن قیمت عقد و بازگرداندن پول به مشتري، به فروشد، و در صورت عدم کافی بودن قیمت به خریدار رجوع کند.

۳. تا زمانی که سازنده (در این مورد بانک اسلامی) شروع به کار نکرده باشد، فسخ قرارداد مجاز است. (ایوپی، ۲۰۲۲).

روش تحقیق

درین تحقیق از روش مروری استفاده شده است؛ چنانچه محقق از کتب معتبر، ژورنال ها، مقالات معتبر، گزارش ها و غیره استفاده کرده است. همچنان اصطلاحات اساسی و مهم مانند عقد استصناع بسیط، استصناع موازی وقسطی، اشتراکات و افتراقات عقد استصناع و سلم، مزایایی عقد استصناع در بانکداری اسلامی، شروط و لوازم عقد استصناع، کاربردهای مدرن عقد استصناع در بانک های اسلامی، تامین مالی مسکن، تامین مالی پروژه، راهکار و میکانیزم تطبیق عقد استصناع در بانکداری اسلامی افغانستان، مزایای استفاده از عقد استصناع توسط بانک های اسلامی در پروژه های زیر بنایی، نمونه های تطبیقی عقد استصناع در بانک های اسلامی، و چالش ها و فرصت ها در تطبیق میکانیزم عقد استصناع در بانکداری اسلامی افغانستان مورد تحقیق قرار گرفته است.

یافته ها

بانک های اسلامی از اشکال مختلف عقد استصناع جهت تمویل پروژه ها استفاده نموده و دستاوردهای چشمگیری در زمینه داشتند؛ ازین رو محقق این مطلب را به دو محور تقسیم نموده، محور نخست شامل اشکال عقد استصناع در بانکداری اسلامی و محور دوم پیرامون نمونه های تطبیقی عقد استصناع در بانک های اسلامی می باشد که به دستاوردهای فراوانی نایل گردیدند، بانک های افغانستان نیز می توانند ازین اشکال و نمونه های تطبیقی عقد استصناع جهت رشد اقتصادی و تمویل مالی استفاده نمایند.

محور نخست: اشکال عقد استصناع در بانکداری اسلامی

در بانک های اسلامی اشکال مختلف و متنوعی استصناع تطبیق می گردد که از آن جمله موارد ذیل می باشند:

الف: استصناع بسیط: استصناع مشهور فقهی است که در آن شخصی از شخص دیگر مطالبه صنعت چیزی را با اوصاف ویژه ی نموده که شامل تعیین قیمت مصنوع، ابرام عقد از طرف مستصنع، آماده سازی مصنوع در خلال مدت موافقه شده توسط صانع و تسلیم آن به مستصنع می باشد. بانک می تواند در این عقد به عنوان مستصنع و صانع وارد عمل شود (النفعی، ۲۰۲۳).

در صورت که بانک مستصنع باشد، می تواند نیازمندی های صانعين را با تمویل مالی فوری و یا قسطی بر آورده ساخته و این امکان را فراهم کند تا مواد اولیه/ خام یا دستگاه ها یا قطعات یدکی را خریداری کنند. همچنین ایشان می توانند به این شیوه ی تعامل با بانک اسلامی مشکل بازاریابی

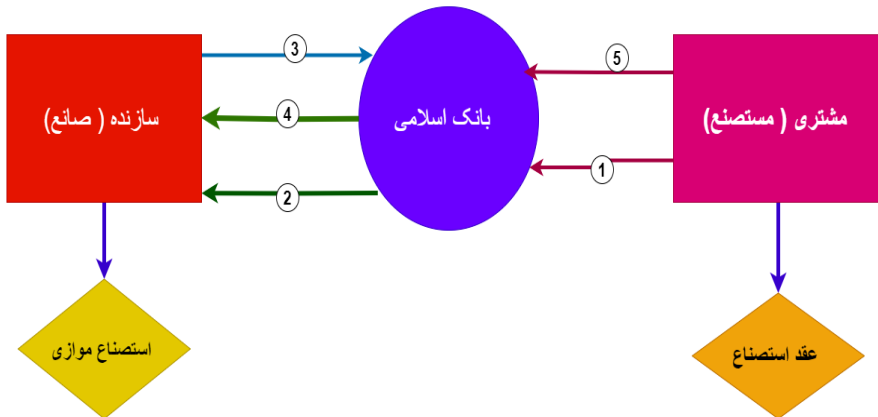
محصولات خود را حل نمایند؛ زیرا ایشان پیش از پیش تضمین تعهد مشتری را بدست آورده تا محصول را در زمان تکمیل آن خریداری نماید (عبد السلام، ۲۰۰۹). درین حالت بانک کالاهای مروج را توصیه نموده، آن‌ها را با قیمت کمتر تهیه کرده و سپس می‌تواند به شکل فوری، مؤجل یا قسطی بفروشد که این امر باعث دریافت فایده‌ی خوبی برای آن می‌گردد. در صورت که بانک صانع باشد، می‌تواند بر اساس عقد استصناع وارد جهان صنعت و پیمانکاری با افق‌های وسیع آن شود، مانند ساخت زیربناها، ساختن کشتی‌ها، هواپیماها، ماشین‌آلات، پروژه‌های مسکن و ساختمان‌های بزرگ، ایجاد و آسفالت کردن سرک‌ها، تأسیس راه‌های آهن و میدان‌های هوایی، تأمین تجهیزات مختلف و غیره (دوابة، ۲۰۱۷).

بانک اجرای فعالیت‌های مذکور را با استفاده از دستگاه‌های اداری در بخش‌های مجزا از بخش‌های فعالیت‌های بانکی تطبیق کرده، و این دستگاه‌ها عملیات صنعتی را برای تولید چیزی که از بانک خواسته شده و یا با اعاده استصناع آن مدیریت می‌نماید (الهاشمی، ۲۰۱۰).

ب: استصناع موازی: عقدی است میان بانک و صانع طوری که بانک از صانع می‌طلبد تا کالای مشخصی را با مواصفات معین بسازد، این عقد در حقیقت در برابر عقد نخست قرار دارد که در آن مشتری مستقیماً از بانک نه طرف دیگری در برابر قیمت مؤجل، تولید و ساخت چیزی را می‌طلبد تا از تاخیر و تقصیر قیمت استفاده نماید. و از آنجایی که بانک ابزارهای تولید را ندارد، قرارداد استصناع موازی را با طرف صانع منعقد می‌کند، و هنگامیکه تولید و ساخت به اتمام رسید، بانک آنرا تسلیم گردیده و به مشتری تحویل می‌دهد، و در تمام این مراحل بانک در نظر دارد تا حاشیه فایده معقول و بهتری را داشته باشد (بلخیر، ۲۰۰۸). این روش معمولاً در بانک‌های اسلامی استفاده می‌شود؛ زیرا بانک‌های اسلامی شرکت‌های صنعتی نیستند تا مستقیماً کالاهای مورد نیاز را تولید نمایند، بلکه آن‌ها در نخست عقد استصناع را به عنوان صانع منعقد نموده و سپس عقد دیگری را به عنوان مستصنع منعقد می‌سازند، و زمانیکه کالا را از صانع در عقد دوم قبض نموده آن‌ها را به مستصنع عقد اول تسلیم می‌کنند (النفیعی، ۲۰۲۳).

ازین رو، در عقد استصناع موازی سه طرف وجود دارند، یکی از آن‌ها بانک است که دو عقد جداگانه تولید و ساخت را در دو ظرفیت مختلف انجام می‌دهد، در عقد نخست بانک به عنوان صانع و در عقد دوم به عنوان مستصنع می‌باشد. شروط عقد در هر دو قرار داد به استثنای قیمت (زیرا عقد دوم شامل هامشی برای بانک می‌باشد) مدت انتقال، دریافت و انتقال برای بانک، یکسان می‌باشد (العثمانی، ۲۰۱۵، ۵۸۵-۶۱۱).

در شریعت اسلامی، هیچ مانعی برای انعقاد عقد استصناع میان بانک و مشتری و مشتری و عقد استصناع دیگری میان بانک و پیمانکار و یا سازنده واقعی و یا بالعکس وجود ندارد مشروط بر اینکه مستقل بوده و به یکدیگر وابسته نباشند (شوقی، ۲۰۱۳).



شکل ۱: عملی استصناع و استصناع موازی در بانک اسلامی

۱. مشتری اعم از تاجر و یا شخص عادی که نیازمند ساخت و تولید کالا است، وارد عقد استصناع با بانک شده و از بانک درخواست ساخت و تولید آنرا می کند، درین حالت بانک به عنوان بائع بوده و قیمت نیز مؤجل خواهد بود.
۲. سپس بانک وارد عقد استصناع موازی با سازنده و متخصص شده تا کالای متصف با مواصفات عقد نخست را تولید نماید، و ممکن است که قیمت درین حالت معجل بوده و مدت تمویل نیز مضاعف باشد تا بانک فایده ی فراوانی را بدست آورد.
۳. سازنده جنس را با مشخصات مذکور در عقد اول به بانک انتقال داده و بانک قیمت توافق شده را برای صانع می پردازد.
۴. سپس بانک آنرا به مشتری تحویل داده و از او قیمت مال مصنوع را بدست می آورد (Hasan, 2011).

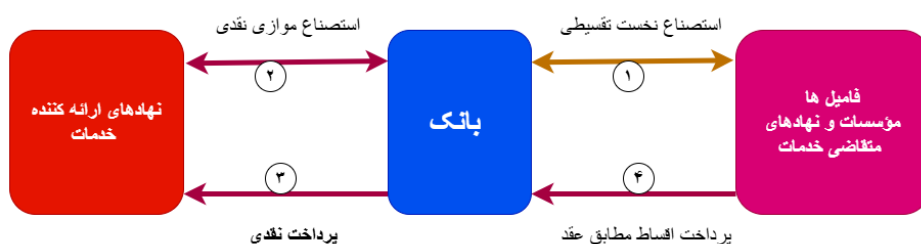
در تطبیق استصناع موازی، بانک به شکل صریح وارد دو عقد موازی به شکل ذیل می گردد:

عقد نخست: این عقد میان بانک و مشتری صورت می گیرد چنانچه مشتری تمام جزئیات و مشخصات یک چیز، ابزار، ساختمان و پروژه را جهت تولید و یا ساختن با شمول چیدمان، طراحی و نقشه و موادی که استفاده می شود و همچنان کیفیت مورد نظر، استانداردهای علمکرد و مدت زمان

تکمیل شدن را برای بانک آماده می‌سازد، و همچنین ممکن است پیمانکاران، تولید کنندگان و تامین کنندگان مواد خام را مشخص کند.

سپس مشتری تخمینی از هزینه‌های مربوطه را ارائه می‌دهد، و یا بانک از پیمانکاران، تولید کنندگان و یا تامین کنندگان مشخص شده توسط مشتریان، قیمت‌ها را دریافت می‌کند، سپس بانک به هزینه‌های ارائه شده حاشیه‌ی فایده را اضافه کرده و قیمتی را معجل یا مؤجل به اقساط برای مشتری اعلام می‌نماید، در صورت تایید و پذیرش توسط مشتری، عقد منعقد می‌شود (Hasan, 2011).

عقد دوم: این عقد میان بانک و پیمانکاران، سازنده‌گان و تامین کنندگان منعقد می‌گردد؛ چنانچه بانک همزمان با توافق نخست وارد یک عقد دیگری جدا و غیر مرتبط با پیمانکاران، سازنده‌گان و تامین کنندگان جهت مونتاژ، تولید و ساخت یک چیز، تجهیزات، ساختمان یا پروژه تا تاریخ معین طبق مشخصاتی می‌گردد. بانک تمام هزینه‌ها را به شکل مستقیم به ایشان پرداخته و پس از تکمیل شدن کالا، ابزار، ساختمان، پروژه آنرا به مشتری تحویل داده و سپس مشتری قیمت را به صورت یکجا یا با اقساط مطابق به توافق می‌پردازد (نظرپور، ۲۰۱۶).



شکل ۲: اجزای عقد استصناع در بانک اسلامی

شروط استصناع موازی

۱. باید هر دو عقد استصناع مستقل بوده و با هم هیچ ارتباطی نداشته باشند.
۲. بانک باید قبل از تسلیم کالا به مستصنع، ملکیت و قبض حقیقی آنرا بدست آورد.
۳. ضمانت کالا به عهده بانک است تا اینکه سود بدون مسئولیت (ربح مال میضمن) به وجود نیاید.
۴. باید مستصنع کار سازنده را شرط ننماید، گاهی ممکن است هدف مستصنع کار و ساخت خود صانع به علت تجربه، امانت داری و کیفیت کار باشد؛ زیرا در این صورت انجام استصناع موازی حرام است، چون در استصناع موازی غالباً مستصنع میداند که بانک چیزی را نمی

سازد بلکه با دیگری قرارداد می کند تا کالا را بر اساس مشخصات مورد نظر تأمین نماید (عثمانی، ۲۰۱۵، ۵۸۵-۶۱۱).

مطابق معیار شماره (۱۱) ایوفی در مورد استصناع و استصناع موازی، بر طرفین عقد استصناع موازی التزام ضوابط و شروط ذیل ضروری می باشد:

۱. بانک اسلامی می تواند به عنوان مستصنع عقد استصناع را با صانع منعقد کند تا مصنوعات را بر اساس مواصفاتی که جهالت را از بین می برد منعقد نموده و قیمت آنرا نقداً هنگام امضای قرارداد پرداخت نماید تا برای صانع نقدینگی فراهم شود، و سپس آن‌ها را به طرف دیگری با عقد استصناع موازی با همان مشخصات که خریداری نموده تا مهلتی بعد از مهلت استصناع اول بفروشد، به شرط اینکه بین دو عقد ارتباطی وجود نداشته باشد (الهاسمی، ۲۰۱۰).

۲. بانک اسلامی می تواند به عنوان صانع عقد استصناع را با مشتری به قیمت مؤجل منعقد کند و سپس با صانع یا پیمانکار دیگری برای خرید مصنوعات یا ساختمان‌ها با همان مشخصات عقد نخست به قیمت فوری، عقد استصناع موازی را منعقد نماید، به شرط اینکه بین دو عقد ارتباطی وجود نداشته باشد.

۳. بانک باید نتایج ناشی از انعقاد عقد استصناع به عنوان صانع را به عهده بگیرد، از جمله مسئولیت مالک و هزینه‌های نگهداری و بیمه قبل از تحویل به مستصنع (مشتری)، و نمی تواند تعهدات خود را با مشتری به صانع در عقد استصناع موازی منتقل کند (Hasan, 2011).

۴. ارتباط بین هر دو عقد استصناع درست نیست؛ ازین رو در صورت تعلل و تاخیر و زیادت مصارف در یکی از آن‌ها، به دیگری انتقال نمی نماید، و مانعی وجود ندارد که بانک از صانع در استصناع موازی مطالبه شرطی (شرط جزایی) مشابه شروط که مؤسسه با مشتری در استصناع اول متعهد شده یا متفاوت از آن، نماید (ایوفی، ۲۰۲۲، ۲۳۲).

ج- استصناع قسطی: زمانی که حجم استصناع بسیار بزرگ باشد - مانند تجهیزات سنگین، ساختمان‌ها و یا شهرک‌های مسکونی بزرگ، شاهراه‌ها، بندهای برق - و نیاز به مدت زمان طولانی برای انجام آن داشته باشد، می توان به استصناع اقساطی مراجعه کرد، چنانکه مبالغ به صورت اقساط مطابق با زمان‌های تحویل اجزای مصنوع و یا انجام هر مرحله از پروژه پرداخت می گردد. این استصناع درست بوده، یک نوع سهولت برای متعاملین و فرع عقد استصناع و فروش اقساطی می باشد، همچنان مطابق

رضایت و شرط عاقدین منعقد شده، و شروط مسلمانان حتی الامکان قابل تطبیق اند (العثماني، ۲۰۱۵، ۵۸۵-۶۱۱).

اهمیت اقتصادی عقد استصناع

علمای اقتصاد در اهمیت والای صنایع مختلف در زمینه رشد اقتصادی و توسعه پایدار متفق اند؛ زیرا بسیاری از محصولاتی که در زندگی مردم استفاده می‌شوند بدون وجود این صنایع قابل دسترسی نیستند، و این محصولات صنعتی می‌توانند از طریق عرضه‌ی آن‌ها در بازار یا از طریق توافق میان صانعین و مستصنعین به میان آیند. غالباً توافق‌های استصناع بین مؤسسات بزرگ صورت می‌گیرد که نیازمند تأمین مالی قابل چشمگیری می‌باشند؛ ازین جهت فرمول استصناع می‌تواند به طور واضح در تمکین طرف‌های مختلف برای دستیابی به اهداف شان اعم از به کارگیری پول‌های موجود، دریافت تأمین مالی لازم و تأمین یک بازار کارآمد برای تأمین مصنوعات، مؤثر باشد (الوادی، ۲۰۱۶).

اهمیت استصناع به عنوان یکی از ابزار تمویل مالی در قالب عدم اشتراط پرداخت فوری ثمن و جواز تأجیل و تقسیط آن متبلور می‌گردد؛ زیرا تعیین مدت در عقد استصناع لازم نیست که این امر فرصت انعطاف‌پذیری بیشتری را در تمویل مالی از نگاه تجزیه‌ی آن‌ها مطابق نیازمندی‌های جامعه فراهم می‌کند. می‌توان از طریق عقد استصناع در زمین مملوکه‌ی مستصنع براساس پیمانکاری ساختمانی را با شرط تسلیم کامل ساخت؛ زیرا عقد استصناع معادل قرارداد (کار تمام) در عقود جدید می‌باشد.

همچنان در عقد استصناع، صانع بازاریابی و سود فراوانی را برای محصولات که تولید می‌کند، تضمین نموده، و مستصنع نیز محصولات مورد نیاز خود را بر اساس خواسته‌هایش بدون وجود غرر و فریب دریافت خواهد کرد. و استصناع موازی می‌تواند نقش مهمی را در تقویت روابط بین واحدهای تولیدی ایفاء نماید؛ ازین رو، این فرمول به ایجاد روابط اقتصادی متعدد میان اطراف عقد کمک می‌کند (Abu Eid, 2022).

عقد استصناع زمینه کار و شغل را برای همه متخصصین فراهم می‌نماید. افزون بر آن، از طریق عقد استصناع، گردش پول در جامعه به میان آمده و این امر موجب احیای حرکت اقتصادی در کشور می‌گردد؛ از این رو، بسیاری از اقتصاددانان مسلمان جهت احیا و رشد اقتصاد جامعه اسلامی و افزایش درآمدهای آن‌ها، پیشنهاد نمودند تا طرف‌های استصناع مسلمان باشند (عبد السلام، ۲۰۰۹).

علاوه بر آن، در عقد استصناع قیمت به صورت اقساط مطابق به پیشرفت کار پرداخت می‌گردد، و قیمتی که به صورت قسطی پرداخت می‌شود اغلباً کمتر از قیمت محصول موجود می‌باشد؛ بنابراین این

استصناع می تواند ابزار مفیدی برای ساخت پروژه های زیربنایی حکومتی و شهری مخصوصا اماکن رهايشی، جادها ها، مدارس و مكاتب، مساجد و غيره باشد.

كاربردهای مدرن عقد استصناع در بانک های اسلامی

در تطبیقات كنونی بانک ها و مؤسسات مالی اسلامی، استصناع به عنوان يك شیوه تأمین مالی در معاملات خاص به ویژه در بخش ساختمانی و پروژه های زیربنایی مورد استفاده قرار می گیرد (عبد الحکیم، ۲۰۱۹).

به طور مثال، اگر مشتری مالک زمینی بوده و برای ساخت خانه در آن به دنبال تأمین مالی باشد، سرمایه دار میتواند بر اساس عقد استصناع اقدام به ساخت خانه کند، و اگر مشتری زمین نداشته و بخواهد زمینی را خریداری کند، سرمایه گذار می تواند متعهد شود که یک خانه ساخته شده در یک قطعه زمین مشخص به او ارائه دهد.

لازم نیست که خود سرمایه گذار خانه را بسازد بلکه او می تواند وارد عقد استصناع با طرف سوم شود و یا می تواند که جهت تکمیل خدمات پیمانکاری (غیر از مشتری) را استخدام کند (بلخیر، ۲۰۰۸). و در هر دو حالت، می تواند هزینه خود را محاسبه نموده و قیمت استصناع را با مشتری خود به نحوی تعیین نماید که منفعت مناسبی را دریافت نماید.

ممکن است پرداخت قیمت ساخت و ساز با اقساط و یا به زمان تسلیم دهی و یا هر زمان دیگری بر مبنای یک موافقه صورت گیرد. و به منظور تضمین پرداخت اقساط، سند ملک یا زمین می تواند تا پرداخت آخرین قسط به عنوان تضمین نزد بانک نگهداری شود (Bilyaminu, 2024).

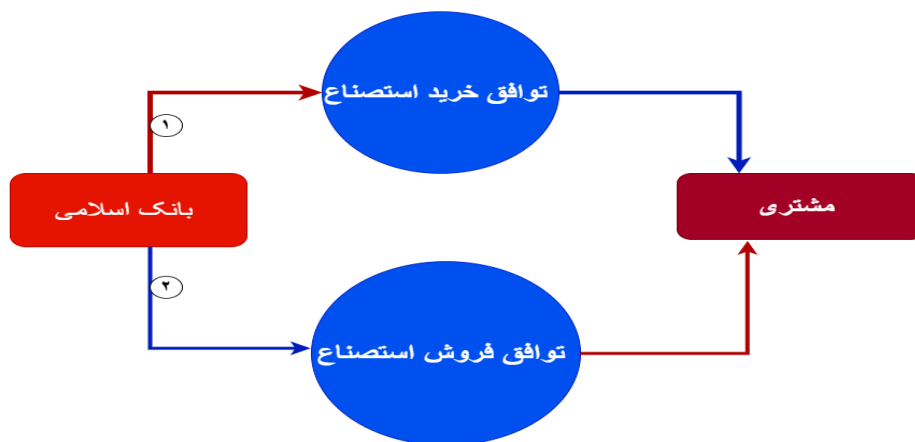
تأمین مالی مسکن توسط عقد استصناع

۱- در صورت که مشتری زمین داشته باشد.

مشتری به بانک پیشنهاد می کند تا ساخت یک ساختمان را در زمین اش تأمین مالی نماید، و پس از توافق با همه شروط آن، بانک و مشتری وارد عقد ساخت یک ساختمان می شوند.

الف: توافق خرید استصناع: بانک از مشتری می خواهد که خانه را به قیمت خرید استصناع (مبلغ تأمین مالی مورد نیاز مشتری) ساخته و به بانک تحویل دهد. پرداخت قیمت خرید به تدریج پس از تکمیل هر مرحله از مراحل کار صورت می گیرد.

ب: توافق فروش استصناع: متعاقباً، بانک وارد قرارداد فروش استصناع می شود که بر مبنای آن بانک موافقت می کند تا خانه را بسازد و به قیمت فروش (قیمت خرید جمع فایده) به مشتری تحویل دهد (Abu Alhoul, 2023).



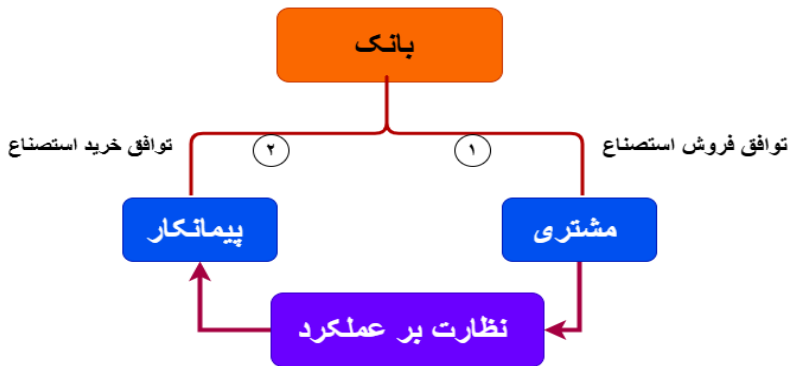
شکل ۳: تامین مالی مسکن در صورت ملکیت زمین برای مشتری

۲- در صورت که مشتری زمین شخصی نداشته باشد:

الف: توافق فروش استصناع: بانک می خواهد ساختمان خانه را بسازد و سپس آنرا به مشتری به قیمت فروش (خرید جمع فایده) بفروشد.

ب: توافق خرید استصناع: بانک وارد یک توافق نامه دیگر با پیمان کار جهت ساخت ساختمان می شود، سپس آنرا برای بانک به قیمت خرید (مبلغ مورد نیاز مشتری جهت ساخت خانه) میفروشد. این پرداخت می تواند به شکل تدریجی مطابق با پیشرفت تکمیل کار صورت گیرد.

ج: برای اطمینان از اینکه پیمانکار خانه را می سازد، بانک به مشتری اجازه می دهد تا ناظر آن باشد که بر اساس آن مشتری از طرف بانک بر ساخت خانه نظارت خواهد کرد (Tazkiya, 2022).



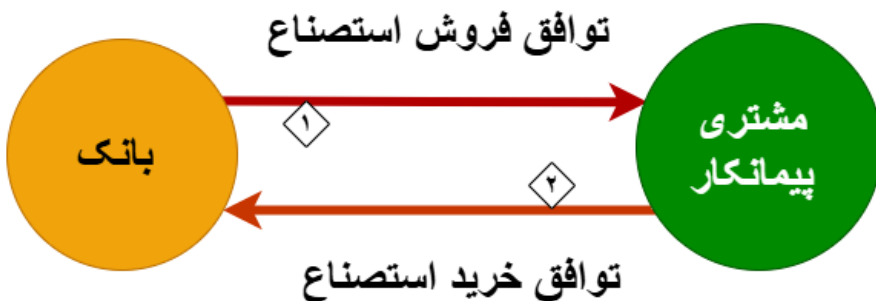
شکل ۴: تامین مالی مسکن در صورت عدم ملکیت زمین برای مشتری

تامین مالی پروژه

الف: توافق فروش استصناع: بانک می خواهد پروژه را انجام دهد و دارایی را به مشتری به قیمت فروش (قیمت خرید جمع فایده) بفروشد.

ب: توافق خرید استصناع: مشتری (به عنوان پیمانکار) می خواهد که پروژه را بسازد و دارایی را به بانک به قیمت خرید بفروشد.

ج: قابل یاد آوری است که این کاربرد وفق نظریه ی کسانی که بیع عینه را اجازه نمی دهند، جایز نیست.



شکل ۵: تامین مالی پروژه توسط بانک اسلامی

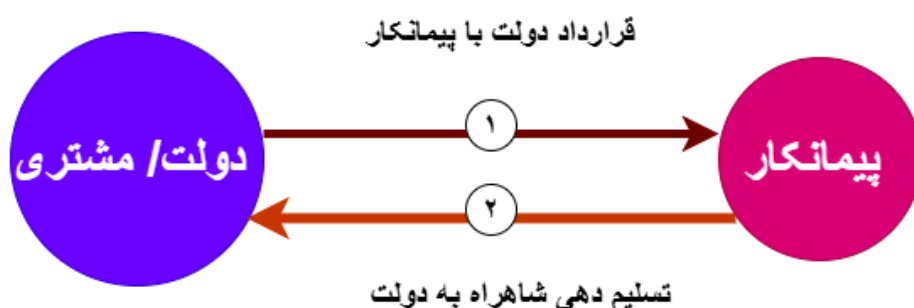
قرارداد مدرن BOT Buy Operate Transfer (خرید، تطبیق، انتقال):

این قرار داد نیز می تواند بر اساس استصناع رسمی صورت گیرد؛ چنانچه اگر دولت بخواهد جاده و یا بزرگراهی را اسفالت کند، با سازنده عقد استصناع نموده، و قیمت استصناع در این صورت می تواند

حق سازنده برای بهره برداری از بزرگراه و اخذ حق عبور و مرور (Tolls) برای مدت معینی باشد (العثماني، ۲۰۱۵، ۵۸۵-۶۱۱).

الف: دولت برای ساخت بزرگراه در یک ولایت به پیمانکار امتیاز میدهد، چنانچه به جای پرداخت مبلغ معینی به پیمانکار، قرار داد با اجازه دادن به شرکت برای بهره برداری از بزرگراه و اخذ حق مرور در مدت زمان مشخص انجام می شود.

ب: پس از اتمام مدت، حق شرکت در بهره برداری و اخذ عوارض از آن بزرگراه از بین می رود و بزرگراه به طور کامل به دولت واگذار می شود.



شکل ۲: اسفالت بزرگ راه ها توسط عقد استصناع

از شرح و بسط موارد مذکور دانسته می شود که عقد استصناع در بسیاری از زمینه‌های صنعتی مهم مانند ساخت ماشین آلات، دستگاه‌های کامپیوتری، دستگاه‌های طبی، موتورها، هواپیماها، حفاری چاه‌ها، ایجاد جاده‌ها و شبکه‌های آب و فاضلاب، و احتمالاً بیشتر در زمینه ساخت شهرک‌های مسکونی و بلاک‌های عمرانی کاربرد دارد، چنانچه می توان بر مبنای عقد استصناع آپارتمان‌ها را بر اساس نقشه‌های مهندسی با مواصفات دقیق و واضح فروخت (نظرپور، ۲۰۱۶).

بانک اسلامی می‌تواند از مشتری تضمین‌هایی معادل یا بیشتر از مبلغ فروش و از پیمانکاران ضمانت‌نامه اجرائی و وارنتی پس از تحویل کالا درخواست نماید؛ چنانچه می‌تواند به عنوان صانع یا فروشنده، وثیقه یا ضمانت‌نامه عملکرد ارائه دهد تا اطمینان حاصل شود کار طبق زمان‌بندی و مشخصات انجام می‌شود. همچنان می‌تواند عربون و ضمانت‌های لازم را از مستصنع مانند رهن، کفالت، حواله حق، یا توقف برداشت از حساب‌های بانکی جهت توثیق دریافت کند. عقد استصناع می‌تواند شامل شرط جزائی عادلانه برای جبران خسارت ناشی از تأخیر در تحویل باشد، مشروط بر اینکه تأخیر به علت شرایط اضطراری و پرداخت دین از طرف مستصنع نباشد.

راهکار و میکانیزم تطبیق عقد استصناع در بانکداری اسلامی افغانستان

ازینکه بانک های اسلامی جهت تامین مالی پروژه های مختلف از جمله پروژه های زیربنایی از قرار داد استصناع استفاده می کنند، این فرایند دارای مراحل ذیل می باشد:

مشتری درخواستی به بانک اسلامی ارائه می دهد که طبق آن، کالای ویژه ی با مشخصات معین بر اساس نیاز او ساخته شود.

دیپارتمنت تأمین مالی و سرمایه گذاری (تسهیلات بانکی یا بخش اطلاعات) درخواست را بر اساس معیارهای تأمین مالی و سرمایه گذاری به طورکلی و مطابق با سیاست های مالی بانک بررسی نموده و سپس توصیه به پذیرش درخواست و یا رد آن می نماید.

در صورت موافقت، این امر به طور مفصل به مشتری اطلاع داده شده، و پس از تأییدی وی طرفین عقد استصناع را امضا می نمایند. خواسته های مشخص مشتری از بانک اسلامی نیز به وضوح تعیین گردیده چنانچه قیمت و نحوه ی پرداخت آن نیز مشخص می شود.

تشخیص و تعیین پروژه های زیر بنایی: باید بانک اسلامی پروژه ی را که نیازمند سرمایه گذاری بزرگ است تشخیص و شناسایی نماید مانند ساختمان های رهائشی، بلاک های نشیمن، جاده ها، پل ها، خط های آهن، فروشگاه ها و غیره.

بانک اسلامی معمولاً با یک صانع دیگر (در صورت استصناع موازی) توافق می کند تا کالای مورد نظر را طبق مشخصاتی که قبلاً با مشتری توافق شده است، بسازد. و گاهی ممکن است خود بانک اسلامی اقدام به ساخت مصنوعات مورد نظر نماید (که این مورد بسیار نادر است) در صورتی که یک تیم تخصصی در بانک وجود داشته باشد که قادر به ساخت مصنوعات طبق مشخصات و شرایط تعیین شده در عقد استصناع باشد، مانند وجود تیم مهندسی که معمولاً در بانک ها برای ساخت ساختمان ها مطابق با مشخصات موجود می باشد.

انعقاد عقد با پیمانکار: در صورت که خود بانک اسلامی اقدام به ساخت نماید، با پیمانکاران مختلف توافق می کند تا پروژه را بر اساس نیازهای تعیین شده در عقد آغاز نمایند.

تامین مالی و نظارت: بانک اسلامی منابع مالی مورد نیاز پروژه را تامین نموده، بر روند انجام آن نظارت می کند تا از تطابق آن با شرایط عقد و اصول معاملات اسلامی مطمئن گردد.

پرداخت هزینه ها: مطابق با زمان بندی مشخص، پرداخت مصارف به پیمانکار وفق پیشرفت کار صورت می گیرد، و در نهایت پروژه تکمیل شده و تسلیم داده می شود.

بانک اسلامی پس از اتمام ساخت مصنوع توسط صانع اول و یا پیمانکار، آن را تسلیم شده و پس از اطمینان از تطابق آن با مشخصات و مواصفات مورد نظر، آنرا به مشتری تحویل داده و مبلغ توافق شده را طبق روش توافق شده دریافت می‌کند. و تفاوت میان قیمت مصنوع با مشتری، و صانع اول و یا پیمانکار که در هر حالت به میان می‌آید، فایده بانک محسوب می‌شود (الوادی، ۲۰۱۶).

بانک‌ها می‌توانند جهت توسعه بخش‌های تولیدی مانند صنعت و معدن، مسکن و خدمات عمومی، زراعت و مساقات و غیره تسهیلات لازم را در قالب عقد استصناع اول به مشتریان فراهم نموده و سپس بر اساس عقد استصناع موازی ساخت آن‌ها را به صانع دیگر می‌دهد.

مثال: مصعب از یکی از بانک‌های اسلامی خواست تا در یک قطعه زمینش خانه‌ی مسکونی برایش بسازد، و همه مواصفات مرغوب فیها را به دقت برای بانک مشخص نمود. سپس بانک مواصفات را مورد مطالعه قرار داده و دریافت که هزینه ساختن آن ده لک افغانی می‌شود و عقد استصناع با شروط ذیل به امضاء رسید:

بانک می‌خواهد ساختمان مطلوب را برای مصعب در ازای دوازده لک افغانی بسازد.

مصعب مبلغ مذکور را مطابق پیشرفت کار به شکل ذیل می‌پردازد:

الف: چهار لک افغانی را در هنگام انجام عقد.

ب: چهار لک افغانی را بعد از اتمام کارهای اساسی ساختمان.

ج: دو لک افغانی را بعد از اتمام اسکلت ساختمان.

د: دو لک افغانی را پس از تسلیم شدن ساختمان مطابق مواصفات می‌پردازد.

پس اگر هزینه واقعی ساخت ساختمان برای بانک بالغ بر نه لک افغانی باشد و هر یک از طرفین ملتزم و متعهد به ادای مسئولیت خود شود، فایده بانک از این پروسه به سه لک افغانی می‌رسد.

بانک‌های اسلامی همچنین می‌توانند در پروژه‌های بلند مدت، عقدهای استصناع را در مراحل مختلف با مشتری و صانع منعقد کرده و انعقاد عقدهای بعدی را به توافق طرفین منوط نمایند.

مزایایی عقد استصناع در بانکداری اسلامی جهت ساخت و ساز پروژه‌های زیر بنایی:

این عقد به عنوان یکی از بهترین ابزار تامین مالی اسلامی دارای زایایی ذیل در زمینه زیرساخت‌ها و توسعه پایدار می‌باشد:

مشهورترین فرمول های تامین مالی در بانکداری اسلامی استصناع، سلم و مرابحه می باشد، اما نکات که فرمول استصناع را در بانکداری اسلامی از فرمول های تامین مالی دیگر متمایز می سازد آنست که استصناع زمینه تامین مالی را برای هزینه های متغیر مانند دستمزدها و سایر هزینه های اداری فراهم می کند، در حالی که عقد مرابحه تنها بر اساس خرید کالا و مواد به میان می آید؛ از این رو مرابحه نیازمندی به پرداخت اجوره ها و نقدینگی لازم برای صرف تولید را برآورده نمی سازد، زیرا در این صورت قرض ربوی به میان می آید. و ازجانب دیگر، مرابحه به بانک اسلامی اجازه تامین مالی انواع فعالیت های پیمانکاری و عمرانی را نمی دهد، بلکه تامین مالی آن ها از طریق استصناع به میان می آید؛ بنابراین فرمول استصناع به عنوان یک روش تامین مالی دامنه وسیع تری نسبت به مرابحه دارد؛ زیرا استصناع امکان تامین مالی ظرفیت هزینه های ثابت و متغیر را دارد. همچنان نقش فرمول استصناع در اقتصاد معاصر نسبت به سلم با توجه به افزایش و گسترش فعالیت های صنعتی گسترده تر است (الوادی، ۲۰۱۶).

تامین مالی پروژه های بزرگ: این عقد یکی از ابزار مؤثر وسازنده برای تامین مالی پروژه های بزرگ و پر مصرف می باشد مانند ساخت هواپیماها، کشتی ها، ساختمان های رهایشی، بندهای برق، جاده ها و غیره؛ زیرا عقد مرابحه نمی تواند چنین کالاهای را تمویل نماید. چنانچه بانک های اسلامی می توانند با عقد پیمانکاری پروژه هایی مانند ساخت ساختمان ها و کارخانه ها و فروش آن ها پس از تعیین حاشیه سود، عقد استصناع را گسترش دهند؛ زیرا می توان آنرا در مورد هر چیزی که نیازمند صنعت است و توسط کارخانه ها و یا تولیدکنندگان از قبیل هواپیماها، اسلحه و موشک های بزرگ جهانی تا ساخت لباس و غیره ساخته می شود، اعمال نمود. چنانچه ساخت عقارات، ساختمان ها، آپارتمان ها و بلاک های پیش ساخته را نیز شامل می گردد (Abu Alhoul, 2023).

توسعه پایدار: استفاده از این ابزار مالی اسلامی می تواند سبب رشد توسعه پایدار و پیشرفت اقتصادی جامعه گردد؛ زیرا در شرایط کنونی بیشترین نیاز مردم به ویژه شهر نشینان به اماکن رهایشی، خدمات رفاهی، ساخت زیربناها و غیره می باشد (Bilyaminu, 2024).

ایجاد فرصت های شغلی: این ابزار مالی اسلامی سبب ساخت پروژه های بزرگ گردیده که موجب ایجاد زمینه های شغلی به ویژه در افغانستان برای افراد در طول فرایند ساخت و ساز و بعد از آن می گردد؛ زیرا غالباً عقد استصناع استفاده مهارت ها معین را می طلبد، بدون شک که این رویکرد معدلات شغل را افزایش داده و بیکاری را در بین همه طبقات جامعه می کاهد. و از جانب دیگر،

ساخت پروژه‌های بزرگ پس از بازسازی و اعمار زمینه شغلی را برای اقشار جامعه فراهم می‌کند (عبد الحکیم، ۲۰۱۹).

اجراآت استصناع اقتصاد را به حرکت در می‌آورد؛ زیرا پروژه‌های واقعی را در بر می‌گیرد که باعث ایجاد درآمد و افزایش تقاضای مؤثر در جامعه می‌شود.

کاهش وابستگی به منابع خارجی: این ابزار مالی اسلامی می‌تواند در کاهش وابستگی به قرض‌های بزرگ بین‌المللی و کمک‌های خارجی کمک نموده و استقلال مالی را در جامعه به میان آورد.

عقد استصناع منافع مستصنع را تامین می‌کند که اغلباً فاقد تجربه کافی در ارزیابی بسیاری از کارها، زمان لازم برای پیگیری و یا پول موجود برای تامین مالی پروژه است.

توسعه عقد استصناع و درک آن توسط کارمندان بانک اسلامی و مشتریان به طور یکسان به عملیات نقدینگی بزرگ که معمولاً در بانک‌های اسلامی وجود دارد کمک زیادی می‌کند (خروبی، خراجی، ۲۰۲۲).

در فرجام باید گفت که اهمیت عقد استصناع برای بانک‌های اسلامی از دو جهت است، یکی از جهت فراهم کردن مقادیر زیادی از محصولات مثلی که توسط تجارت بین‌المللی به کشورهای مختلف جهان حمل می‌شوند، دوم اینکه زمینه سود بیشتری را برای بانک اسلامی نسبت به فرمول‌های دیگر از طریق تمویل مالی ساختمان‌های بزرگ، شاهراه‌ها، تاسیسات دولتی و زیربناهای دیگر فراهم می‌سازد؛ زیرا بانک اسلامی می‌تواند آنرا از طریق استصناع موازی بسازد که این امر متناسب با طبیعت فعالیت بانکداری اسلامی است (Abu Alhoul, 2023).

محور دوم: نمونه‌های تطبیقی عقد استصناع در بانک‌های اسلامی

در ذیل جهت تثبیت عقد استصناع به عنوان یکی از ابزارهای تامین مالی اسلامی در بانک‌های اسلامی، نمونه‌های تطبیقی موفق بعضی از بانک‌های اسلامی را بیان می‌داریم:

۱- بانک توسعه اسلامی (iSDB): بانک توسعه اسلامی پروژه‌های مختلف را تمویل کرده که تقریباً ۲۰٪ از فعالیت‌های آنرا عقد استصناع تشکیل می‌دهد، از آنجمله:

تمویل از طریق عقد استصناع و قرض حسن به مبلغ ۲۲,۷ میلیون دالر آمریکایی به نفع مراکش برای کمک به تمویل سرویس‌های بهداشتی و پروژه فاضلاب جهت منافع ۸۱ مرکز شهری و روستایی که جمعیت آن‌ها حدود ۳,۳ میلیون نفر می‌رسید، به هدف بهبودسازی شرایط زندگی و حفاظت از

محیط زیست. از آنجمله مبلغ ۷,۷ میلیون دلار آمریکایی قرض حسن برای مدت بازپرداخت ۲۵ سال بوده در حالیکه تمویل از طریق استصناع را مبلغ ۱۵ میلیون دلار آمریکایی تشکیل داده است.

تمویل از طریق استصناع به مبلغ ۳۷,۵ میلیون دلار آمریکایی به نفع لبنان برای کمک به توسعه زیرساخت‌های بزرگ منطقه بیروت که شامل شبکه‌های سرویس بهداشتی، فاضلاب، تخلیه آب باران، بازسازی جاده‌های اصلی و فرعی، تنویرجاده‌ها و سرک‌ها و درختکاری وغیره است (بلخیر، ۲۰۰۸).

تمویل از طریق عقد استصناع و بیع مؤجل به مدت ۳۱ میلیون دلار آمریکایی به نفع اندونیزی، جهت کمک به توسعه و گسترش پوهنتون ایان سونان کالیاگا اسلامی در شهر یوگارتا، و هدف پروژه توسعه پوهنتون به گونه‌ای که شامل دانشکده‌های تکنیکی مدرن به علاوه دانشکده‌های علوم شرعی موجود میباشد.

تمویل از طریق عقد استصناع و فروش مؤجل به مبلغ ۶,۵ میلیون دلار آمریکایی، برای کمک به سورینام برای ایجاد مرکز درمان با اشعه در بخش بیماری‌های سرطانی در بیمارستان آموزشی در پاراماریبو، و این پروژه به ارائه درمان به بیماران و آموزش به دانشجویان دانشکده طبی در پوهنتون کمک می‌کند. (النفیعی، ۲۰۲۳)

۲- بانک اسلامی دبی: این بانک نیز عقد استصناع را به شکل وسیعی به هدف تمویل ساخت ساختمان‌ها، شهرک‌ها، مراکز تجارتي وغیره استفاده نموده و به عنوان صانع و مستصنع فعالیت می‌کند.

۳- شرکت راجحی: زمانیکه از هیئت رقابت شرعی بانک راجحی در مورد عقد استصناع پرسیده شد، گفتند که بانک راجحی عقد استصناع را در همه چیزهای که نیازمند ساخت و ساز و تولید اند استفاده نموده و به عنوان صانع و مستصنع فعالیت می‌کند.

همچنان عقد استصناع یکی از ابزارهای تامین مالی اسلامی مهم در بانک‌های مالزی مخصوصا (بانک معاملات مالیزی) جهت ساخت پروژه‌هایی که نیاز به تولید کالا دارند مانند پروژه‌های زیربنایی محسوب می‌شود. تامین مالی این پروژه‌ها به عوامل متعددی از جمله نوع پروژه، میزان تامین مالی، مدت زمان اجرا و شرایط اقتصادی بستگی دارد. درصد تامین مالی از طریق استصناع بین ۷۰ تا ۹۰ درصد بوده و پروژه‌های بزرگ در مقایسه با پروژه‌های کوچک، تمویل مالی بیشتری دریافت می‌کنند، مگر توانایی وام‌گیرنده در ارائه تضمین و پرداخت‌های اولیه و سیاست‌های

تمويلی بانک نیز در تعیین نسبت تامین مالی موثر میباشد. نسبت تمويل با استصناع در بانک های ماليزی نسبت به ابزارهای مالی دیگر به ۱۸٪ فیصد می رسد؛ چنانچه در سال ۲۰۲۰ توافق نامه های تامین مالی عقد استصناع در کشور مالزی به ۱،۲۲۵ بليون می رسید و اکنون ۱۰٪ رشد کرده است (Tazkiya, 2022).

مناقشه

محققان در مورد عقد استصناع و کاربرد آن در بانکداری اسلامی نظریات فراوانی را مطرح کرده اند مگر در مورد رویکرد و میکانیزم تطبیق آن در بانکداری اسلامی در افغانستان جهت تامین مالی پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار چیزی نگفته اند. مانند النبیعی (۲۰۲۳): عقد الاستصناع و تطبیقاته في البنوك والمصارف الإسلامية، تحقیق وی بیشتر فقه محور بوده و بر مبانی شرعی عقد استصناع تمرکز دارد نه ابعاد نهادی و ساختار بانکی آن. بلخیر (۲۰۰۸): عقد الاستصناع وتطبیقاته المعاصرة - دراسة حالة البنك الإسلامي للتنمية، درین تحقیق بالای نقاط قوت استصناع در زمینه تامین مالی پروژه های بزرگ تمرکز شده ولی محدود به یک بانک (بانک توسعه اسلامی) و تجربه خاص بوده و قابل تعمیم به همه نظام های بانکی نمی باشد. عبدالسلام (۲۰۰۹): آلیه تطبیق عقد الاستصناع في المصارف الإسلامية - دول مجلس التعاون نموذجاً، تحقیق هذا نکات کلیدی در مورد زیر ساخت های قانونی و مالی عقد استصناع در کشور های خلیج را مورد بررسی قرار داده ولی ساختار اجتماعی و اقتصادی کشورهای خلیج با افغانستان قابل مقایسه نمی باشد. خروبی (۲۰۲۲): دور البنوك الإسلامية في التمويل العقاري بصیغة الاستصناع - حالة بنك السلام الجزائر، محققان هذا در زمینه تطبیق عقد استصناع در حوزه مسکن عطف توجه کرده و تمرکز بیشتری در مقیاس خرد دارد نه پروژه های زیربنایی کلان. این تحقیق به زبان انگلیسی نگاشته شده و بر عدالت اجتماعی و مسکن تمرکز داشته اما چالش های اجرایی و عملیاتی آن در کشورهای کم درآمد مانند افغانستان، قابل توجه است: Tazkiya (2022). Comparative Study of Islamic Legal Systems – Indonesia and Malaysia، تحقیق هذا نقش قانون گذاری و نهادهای نظارتی را برجسته می کند که در افغانستان به شدت مورد نیاز است. اما در افغانستان بانکداری اسلامی در حال توسعه بوده و نهادهایی مانند بانک اسلامی افغانستان و بانک های دیگر به دنبال گسترش ابزارهای مالی اسلامی هستند، و با توجه به نیازشدید به تمويل پروژه های زیربنایی، عقد استصناع ظرفیت چشمگیری درین زمینه دارد. وفق نظربنده، با مقایسه تحقیقات و تحلیل زمینه افغانستان، می توان گفت که عقد استصناع ابزاری نوین، شرعی و کارآمد برای تأمین مالی پروژه های

زیربنایی در افغانستان است، مشروط بر اینکه چارچوب درست قانونی و نظارتی مناسب برای آن تنظیم گردیده، متخصصین و مشاورین در عرصه بانکداری و شرعی استخدام شده، تقویت آموزش کارکنان بانک ها و مجریان پروژه ها، بهره برداری منظم دولت و سکتور خصوصی از ظرفیت عقد استصناع صورت گیرد.

از ناحیه دیگر، تطبیق میکانیزم عقد استصناع در بانکداری اسلامی افغانستان همراه با چالش ها و فرصت های فراوانی خواهد بود. از جمله چالش های آن، ساخت چارچوب قانونی و اداری، همکاری و پشتیبانی حکومت ازین عقد، اخذ ضمانت های قراردادی، آگاهی عمومی از نحوه ی اجرا عقد و فواید آن جهت رشد مالی و توسعه پایدار، و محدودیت های فنی و اقتصادی جهت تکمیل پروژه های زیربنایی در بانک های اسلامی و یا پیمانکار می باشد. این ابزار تمویل مالی اسلامی در پهلوی چالش ها، فرصت های اقتصادی و رشد مالی را نیز فراهم می کند از آنجمله گسترش ابزار مالی و خدمات بانکداری اسلامی، اجتناب از قرض های ربوی هنگفت جهت ساخت و ساز زیربنایها و توسعه پایدار، ساخت پروژه های بزرگ زیربنایی، حمایت از توسعه اقتصادی افراد و کشور، فراهم کردن مسکن مناسب برای شهروندان از طریق ابزار مالی مشروع در ساخت و ساز شهرک ها، زیر بناها، ساختمان ها، ساخت مراکز تجاری، شاهراه های عمومی، بند های برق، خط های آهن، لوله های گاز، شفاخانه ها، مدارس، پارک های تفریحی، رستوران ها و غیره می باشد.

نتیجه گیری

یکی از بخش های کلیدی در افغانستان که نیازمند توسعه و پشرفت می باشد، رشد توسعه پروژه های زیربنایی و تامین مالی آن ها است. از جانب دیگر، بانک های افغانستان به عنوان یک کشور اسلامی ضرورت دارند تا از ابزار تامین مالی اسلامی در این زمینه استفاده نمایند. ازین رو، عقد استصناع به عنوان یک ابزار مالی نوین اسلامی با رویکردهای جدید آن می تواند در بانک های اسلامی افغانستان نقش اساسی در تأمین مالی پروژه های زیربنایی و توسعه پایدار ایفا نماید. عقد استصناع دارایی انواع مختلفی بوده که مشهورترین آن ها در بانک معاصر، استصناع موازی است که گاهی بانک در آن به عنوان صانع و گاهی مستصنع عمل می کند. و با توجه به نیازمندی های اقتصادی و زیربنایی افغانستان، استفاده ازین ابزار مالی می تواند به رشد و توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کمک کند. با وجود آن، برای استفاده مؤثر ازین ابزار مالی به تقویت چارچوب قانونی و مقرراتی، فنی و اداری، آموزشی و آگاهی دهی در کشور نیاز است.

پیشنهادهات

محقق پس از بررسی مو ضوع، موارد زیر را برای مردم، دولت و بانکداری اسلامی در افغانستان پیشنهاد می نماید:

۱. افزایش بانک های اسلامی و خدمات آن‌ها در افغانستان.
۲. آگاهی دهی مردم در استفاده از خدمات بانک های اسلامی در زمینه تامينات مالی.
۳. جلوگیری از شیوه های کلاسیک و قرض های ربوی جهت تامین مالی پروژه های زیر بنایی و توسعه ی آن‌ها.
۴. استفاده از این ابزار مالی در بانکداری اسلامی در زمینه تامین مالی پروژه های بزرگ و توسعه پایدار؛ زیرا افغانستان به تامین مالی این عرصه ضرورت اشد را دارد.

سهم نویسندگان در تحقیق

این تحقیق حاصل همکاری مشترک دو نویسنده است، و هر دو نویسنده در انتخاب مو ضوع، طراحی تحقیق، گرد آوری داده ها، تحلیل مطالب و نوشتن مقاله، معرفی منابع مشارکت داشتند.

تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافع بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع

القرآن الكريم

- ابن منظور، ج. (١٩٨٧). لسان العرب. القاهرة: دار الريان، ص: ٢٧٠.
- أيوفي، هيئة المحاسبة والمراجعة للمؤسسات المالية الإسلامية. (٢٠٢٢). المعايير الشرعية. الرياض: دار الميمان للنشر والتوزيع. النسخة الإلكترونية. المعيار الشرعي رقم (١١).
- البخاري، م. (١٤٢٢هـ). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. القاهرة: دار طوق النجاة.
- بلخير، أ. (٢٠٠٨). عقد الاستصناع و تطبيقاته المعاصرة: دراسة حالة البنك الإسلامي للتنمية. (رسالة ماجستير)، جامعة الحاج لخضر، باتنة، الجزائر.
- البهوتي، م. (٥١٠٥١). كشاف القناع عن متن الإقناع. بيروت: دار الكتب العلمية.
- خروبي، ن.، خراجي، م. (٢٠٢٢). دور البنوك الإسلامية في التمويل العقاري بصيغة الاستصناع دراسة حالة بنك السلام الجزائر خلال الفترة ٢٠١٧-٢٠٢٠. رسالة ماجستير، جامعة قاصدي مرباح ورقلة. كلية العلوم الاقتصادية.
- دقيش، ج. (٢٠٢٢). تجارب الدولية ناجحة في التمويل الإسلامي: ماليا نموذجاً. ملتقى دولي بعنوان: دور التمويل الإسلامي في التخفيف من الازمة المالية في ظل فكرة الشمول المالي -دراسة بعض التجارب.
- دوابة، أ. (٢٠١٧). الهندسة المالية الإسلامية. القاهرة: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة. النسخة الإلكترونية. ص: ٢٦٧.
- زويد، و. (٢٠١٩). عقد الاستصناع وتطبيقاته في البنوك الإسلامية دراسة حالة: بنك قطر الإسلامي ٢٠١٣-٢٠١٨. رسالة ماجستير، جامعة المركز الجامعي عبد الحفيظ بوالصوف ميلة، الجزائر.
- شوقي، ب. (٢٠١٣). التمويل في البنوك التقليدية والبنوك الإسلامية: دراسة مقارنة من حيث المفاهيم والإجراءات والتكلفة. الأردن: عالم الكتب الحديث. ص: ٢٠١. (شوقي، ٢٠١٣).
- عبد الحكيم، م. (٢٠١٩). صيغ الاستثمار في البنوك الإسلامية في اليمنين النظرية والتطبيق. مجلة بعوث جامعة تعز، (٢٠١)، ص: ٦٥-٨١. <https://taiz.edu.ye/tujr/index.php/tujr/issue/view/45>
- عبد السلام، م. (٢٠٠٩). آلية لتطبيق عقد الاستصناع في المصارف الإسلامية (دول مجلس التعاون لدول الخليج العربية نموذجاً). مؤتمر المصارف الإسلامية بين الواقع والمأمول، دائرة الشؤون الإسلامية والعمل الخيري بدبي.
- العثماني، م. (٢٠١٥). فقه البيوع على المذاهب الأربعة مع تطبيقاته المعاصرة مقارنا بالقوانين الوضعية. كراتشي باكستان: مكتبة معارف القرآن، النسخة الإلكترونية. الجزء الأول.
- الكاساني، ع. (١٩٩٩). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. القاهرة: دار أهل السنة للطبع والنشر، ج: ٥، ص: ٥٩.
- نظريور، م. (٢٠١٦). بانکداری اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت). ص: ١٩٩-٢٠١.

النفيعي، م. (٢٠٢٣). عقد الاستصناع وتطبيقاته في البنوك والمصارف الإسلامية: دراسة فقهية مقارنة. مجلة أبحاث، جامعة الحديدة، ١٠(٣)، ص ٤٤٤-٤٨٧. Doi: 10.52840/1965-010-003-012

الوادي، م. (٢٠١٦). المصارف الإسلامية الأسس النظرية والتطبيقات العملية. عمان: دار المسيرة للنشر والتوزيع. ص: ٢٣٣.

الهاشمي، م. (2010). المصارف الإسلامية والمصارف التقليدية ودورها في تحقيق التنمية الاقتصادية والاجتماعية. ليبيا: مكتبة جامعة مصراته. ص: ١٧١.

Abu Alhouli, M. (2023). Activating Istisna, in Islamic banks to finance housing for people with limited income- the case of Jordan. *Journal of Asian Economic and Financial Review*, 13(8), P, 576- 589. <https://doi.org/10.55493/5002.v13i8.4821>

Abu Eid, Q. (2022). Istisna'a Contract as a Financing Tool for Industrial Clusters. *Journal of Finance and Business Economics Review*, 6(4), P: 252- 265. <https://asjp.cerist.dz/en/article/213917>

Bilyaminu, M. (2024). Islamic Construction Contract (Istisna'): An Alternative to the Nigerian Infrastructure Transformation. *Journal of Islamic Social Finance*, 2(2), 44-56.

Hasan, A. (2011). *Fundamentals of sharia in Islamic Finance*. Publisher: IBFIM, Kuala Lumpur, P; 343. <https://journals.iium.edu.my/jisf/index.php/iiibf/article/view/28>.

Tazkiya, K. (2022). Comparative Study of Islamic Legal Systems in the Application of the Istishna' Agreement in Indonesia and Malaysia. *International Journal Law and Society*, 1(3). <https://doi.org/10.59683/ijls.v1i3.26>